

حنیف

ویژه نامه مذهبی - خبرگزاری صدا و سیما



در سوگ رحلت پیامبر رحمت

خشونت های دشمن خود بوده و آنچه از او دیده شده یا جنگهای دفاعی است و یا صلح و آشتی بوده است و یا گذشت و لطف و مهربانی که اوج آن را در جریان فتح مکه می بینیم که حضرت در اوج قدرت و پیروزی و تسلط، بالاترین عفو و گذشت و لطف را در حق سرسخت ترین دشمنان خویش نشان می دهد. در این گزارش گذری داریم به برخی از آیات و روایات که نشان دهنده نهایت رحمت و رأفت پیامبر اسلام است.

- قرآن و پیامبر رحمت:

قرآن کتابی است از طرف خداوندی که رحمت وسیع و بی پایانی دارد، خود نیز رحمت است. آیات فراوانی در این کتاب الهی وجود دارد که نشان می دهد قرآن رحمت و لطفی است در حق بشریت. یک جا می فرماید: «بصائر للناس و هدی و رحمة؛ کتاب مایه بصیرت و عامل هدایت و رحمت». در جای دیگری می فرماید: «و آیه لهدی و رحمة للمؤمنین؛ برآستی قرآن مایه هدایت و رحمت برای مؤمنان است». این کتاب رحمت در جای جای متن خود از رحمت و رأفت و مهربانی و دلسوزی و نرمی پیامبر خاتم سخن به میان آورده است.

«و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین؛ ما تو را

جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.»

عموم مردم دنیا از مؤمن و کافر از وجود با برکت او بهره بردند، و او رحمتی است برای تمام بشریت چرا که نشر آئینی را برعهده

روز دوشنبه بیست و هشتمین روز از ماه صفر مصادف با سالروز رحلت پیامبر اسلام (ص) است. سال یازدهم هجری در چنین روزی، آخرین پیام آور الهی، حضرت محمد (ص) به دیدار حق شتافت؛ در حالی که کامل ترین دین را برای بشریت به یادگار گذاشت. شخصیت بزرگواری که رحمت برای عالمیان بود؛ در دفاع از رسالتش فرمود: «من برای تکمیل مکارم اخلاق مبعوث شدم.»

پیامبر اسلام (ص)، در زمانه ای مملو از جهل و ظلم و بی عدالتی، زیباترین کلام هستی را در گوش جهانیان نجوا کرد که: «قوله لا اله الا الله تفلحوا» ای مردم، ای انسان های گرفتار در بند نادانی و شرک، «بگوئید که خدای جز خداوند یکتا نیست تا رستگار شوید.»

رسول الله (ص)، در سایه این کلام نورانی، متعالی ترین دین را به انسان ها ارزانی کرد. آنها که اسلام را پذیرفتند و به یگانگی خدا و رسالت محمد (ص) شهادت دادند؛ نام پر افتخار مسلمان را از آن خود ساختند.

از تهمت های بزرگ و نابخشودنی که در طول تاریخ مخصوصاً سالهای اخیر از جانب غربیان و وابستگان به آنها، نسبت به پیامبر اکرم (ص) روا داشته شده است این امر است که پیامبر خاتم، پیامبر رحمت و رأفت را، پیامبر خشونت و خونریزی و قساوت معرفی نموده اند.

با نگاهی گذرا به قرآن به راحتی می توان دریافت که قرآن با لفظ و نام خدای «رحمان» و «رحیم» آغاز شده و در بین ۱۱۴ سوره آن، ۱۱۳ سوره آن با همین عنوان شروع شده است، و قرآن را به عنوان رحمت، و پیغمبر خاتم را به عنوان «رحمة للعالمین» معرفی می کند.

کارکرد ۲۳ ساله پیامبر(ص) که غالباً قربانی





در جای دیگر با صراحت رمز و راز موفقیت او را در ملایمت و نرمی، مهربانی و شفقت او می‌داند و لذا فرمود: «فیما رحمۃ من الله لنت لهم و لو کنت فظاً غلیظ القلب لا نفّصوا من حولک فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر، ای پیامبر! بخاطر رحمت الهی نسبت به آنها نرم (و مهربان) شدی و اگر خشن و سنگدل (و دارای خشونت) بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند، پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب، و در کارها، با آنان مشورت کن...»

به هر حال، در دنیای امروز که فساد، تباهی، ظلم و بیدادگری از در و دیوار آن می‌بارد، آتش جنگ‌ها در هر سو شعله‌ور است، و چنگال زورمندان بیدادگر حلقوم مستضعفان مظلوم را می‌فشارد، در دنیایی که جهل، فساد اخلاق، خیانت و ظلم و استبداد و تبعیض هزار گونه نابسامانی آفریده، آری، در چنین جهانی مفهوم «رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ» بودن پیامبر، از هر زمانی آشکارتر است، چه رحمتی از این بالاتر که برنامه‌ای آورده که عمل به آن نقطه پایانی است بر همه این ناکامی‌ها، بدبختی‌ها و سیه‌روزی‌ها، آری او و دستوراتش، برنامه و اخلاقش، همه رحمت است، رحمتی برای همگان و تداوم این رحمت، سرانجامش حکومت صالحان با ایمانبر تمام معموره زمین، خواهد بود.

پیامبر و دینی که خدا ارسال نموده است، هرگز نمی‌تواند جز مهربانی و رحمت‌پیزی دیگری باشد. شاید دشمنان اسلام به بعضی از آیات قرآن تمسک کنند، مثل آیاتی که دستور قتل و جهاد با دشمنان را صادر می‌کند. لکن باید به این نکته توجه داشت که اصل اولی در اسلام؛ رحمت، رأفت و مهربانی است و لکن اگر کسانی باشند که وجود آنها مخل به حال عموم باشد و امنیت و رفاه عمومی را به خطر بیندازد و با منطق و برهان گفتگو کنار نیایند، در اینجا قرآن و اسلام با آنها به شدت برخورد می‌کند. درست مانند این مسئله که خداوند با آنکه مهربان‌ترین مهربان‌ها است و انسان‌ها را خلق نموده و بهشت را هم خلق نموده و در حقیقت بهشت را برای بندگان خلق نموده است، و لکن جهنم را نیز در کنار بهشت خلق نموده است، اما جهنم برای افراد سرکش و طغی است که با ظلم و ستم به بندگان خدا و معصیت در برابر خداوند، زمینه رحمت الهی را در خود نابود کرده‌اند و جایگاه آنها جهنم الهی می‌باشد. این مسئله به رحمت و مهربانی خداوند ضرر نمی‌زند. اسلام نیز چنین است و حقا که دین رحمت، رأفت، مودت و مهربانی است.

* برای مطالعه بیشتر به سایتهای حوزه، آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و آیت الله العظمی مکارم شیرازی مراجعه شود.

گرفته است که سبب نجات همگان است. حال اگر گروهی از آن استفاده بردند، و گروهی استفاده نکردند این مربوط به خودشان است و تأثیری در عمومی بودن رحمت وجود او نمی‌کند، خود آن حضرت فرمود: «ایها الناس انما انا رحمة مهداة؛ مردم! من فقط رحمت هدایت یافته‌ام.»

وجود مبارک پیامبر اکرم (ص) نه تنها برای زمینیان رحمت است بلکه برای آسمانیان نیز رحمت است. از این روی رحمت ایشان شامل همه جهانیان شد. از سوی دیگر خدای متعال در آیه ۱۰۷ سوره «انبیاء» به رحمت عامه وجود پیامبر (صلی الله علیه و آله) اشاره کرده می‌فرماید: (ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم)؛ «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ».

عموم مردم دنیا، اعم از مومن و کافر همه، مرهون رحمت تو هستند؛ چرا که نشر آیینی را بر عهده گرفته‌ای که سبب نجات همگان است، حال، اگر گروهی از آن استفاده کردند و گروهی نکردند این مربوط به خودشان است و تأثیری بر عمومی بودن رحمت نمی‌گذارد.

این درست به آن می‌ماند که: بیمارستان مجهزی برای درمان همه دردها با پزشکان حاذق و انواع داروها تاسیس کنند، و درهای آن را به روی همه مردم بدون تفاوت بگشایند، آیا این وسیله رحمت برای همه افراد آن اجتماع نیست؟ اما اگر بعضی از بیماران لجوج خودشان از قبول این فیض عام امتناع کنند، تأثیری بر عمومی بودن آن نخواهد داشت.

– نرمی و ملایمت رمز موفقیت پیامبر (ص)

برای پیشرفت اسلام و موفقیت پیامبر اکرم (ص) در بین اعراب خشن دوران جاهلیت عوامل متعددی نقش داشته است، از جمله می‌توان از عوامل ذیل نام



برد.

یک: قرآن به عنوان معجزه ماندگار الهی و وجود زیبایی‌ها، جاذبه‌ها، و شورانگیزی‌های غیرقابل توصیف آن و همین‌طور ژرفا و عمق غیر قابل وصف آن است.

دو: تاریخ روشن توأم با صداقت و پاکی و امین بودن آن حضرت، به گونه‌ای که همان مشرکان لجوج او را «امین» خواندند، و حتی بعد از بعثت نیز امانات خود را به او تحویل می‌دادند.

قرآن از بین عوامل، بیشترین تکیه را بر خلق و خوی پیامبر اکرم (ص) و ملایمت و نرمی او نموده است. یکجا می‌فرماید: «وَأَنْتَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ؛ براستی تو دارای اخلاق عظیم و برجسته‌ای هستی.»



گفت و گو با بانوی مبلغ ژاپنی

وهابی ها پولهای زیادی برای تبلیغ در ژاپن خرج می کنند

شغل انتخاب کنند که بتوانند زندگی کنند و نظم و مقررات سخت حاکم است و در خانواده های کم جمعیت زندگی می کنند. سالمندان از آنها جدا زندگی می کنند. بچه ها خیلی کم پدر و مادرشان را می بینند و کسی را ندارند که با او صحبت کنند، رابطه خانوادگی ضعیف است و ژاپنی ها با این مشکل روبرو هستند.

جوانان اصلا دین ندارند اما به وجدان اهمیت می دهند. شما اگر معنویت داشته باشی تکیه گاهی داری اما به دلیل بی دینی خودکشی در ژاپن زیاد است و اگر به ورشکستگی برسند چون تکیه ندارند خودکشی می کنند.

از طرف دیگر مسلمان ها و شیعیان در ژاپن کم هستند. امروز بنیادی در ژاپن فعال هست که سبب میشود مسلمانان ژاپنی به طرف وهابیت تمایل پیدا می کنند که خیلی خطرناک هست و در توکیو و همه جا فعالند.

سوال: در زمینه تبلیغ اسلام برای هم وطنان خود چه اقداماتی را انجام می دهید؟

من دوستی ژاپنی دارم در سفر به ایران به آسایشگاه خیریه کهریزک رفتیم. اسامی برخی خیرین روی ساختمان ها نوشته بودند او فکر می کرد این ها اسم ساختمانهاست ولی به او گفتم این اسامی خیرین هست، خیرین کسانی هستند که ثروتمندند و خداوند در اسلام به آنها گفته هر کس پولی بیشتر از نیاز خود دارد به نیازمندان کمک کند. آنها تعجب کردند، در واقع به این شکل با اسلام آشنا شدند.

دوستان ژاپنی من هرساله به ایران می آیند و بازارچه خیریه در شهرهای

خانم کونیکو یامامورا از مبلغان ژاپنی گفت: در ژاپن دین های ساختگی زیادی هست که همه شان تبلیغات دارند؛ تبلیغات شیعیان نسبت به این گروه ها کم هست. همچنین ایرانی ها آنجا مسجد ندارند اما ترکیه ای ها مسجد دارند و تور گردشگری می آورند و معماری ترکیه و صنایع دستی ترکیه را معرفی می کنند.

کونیکو یامامورا با اسم ایرانی سبا بابایی بانوی ژاپنی و مادر شهید بابایی حدود ۵۷ سال پیش طی آشنایی و ازدواج با یک تاجر ایرانی به دین مبین اسلام مشرف شد و در حال حاضر مدیر موزه صلح در ایران است.

وی در این گفت و گو به بررسی جایگاه اسلام در ژاپن و نحوه تبلیغ دین مبین اسلام برای هم وطنانش و کم و کاستی های عرصه تبلیغ دین اسلام در کشورش پرداخت.

سوال: جایگاه اسلام و شرایط تبلیغ دین مبین اسلام در ژاپن چگونه هست؟

تعداد کمی از مسلمان ها در ژاپن زندگی می کنند. جامعه المصطفی آنجا شعبه دارد تبلیغات هم انجام می شود اما وهابی ها تبلیغات زیادی دارند و پول زیادی خرج می کنند و تبلیغ آنها به زبان انگلیسی و ژاپنی است. زمانی که داعشی ها دو ژاپنی را به گروگان گرفتند وهابی های ژاپنی گفتند می رویم و وساطت می کنیم چون آنها با داعشی ها در ارتباط هستند.

برای تبلیغ اسلام باید شرایط یک جوان ژاپنی را در نظر بگیریم. جوانان امروز در ژاپن از دبستان تا دانشگاه به طور فشرده درس می خوانند تا یک



دینی ندارند. اگر مسیحی بودند راحت تر تبلیغ انجام می شد. اما تا زمانی که ژاپنی ها اعتماد نکنند رابطه برقرار نمی شود و اگر اسم دین بیابری استقبال نمی کنند و تنها از طریق اعتماد و محبت می توان اسلام را معرفی کرد، آن هم حدود یک سال به طول می انجامد.

اطراف دفتر جامعه المصطفی خانه های ژاپنی ها زیاد است. ابتدا نگاهشان به ایران خوب نبود چراکه اسلام را به عنوان تروریست تبلیغ می کنند. اما آقای متولیان تلاش کرد که همسایه ها را از طریق محبت جذب کند و به همسایه هایی که سانشان بالا بود در خرید کمک می کرد و بارشان را می برد و از این طریق همه همسایه ها با این مجموعه دوست شدند و رابطه برقرار شد.

سوال: رسانه های ژاپنی چگونه اسلام را معرفی می کنند؟

رسانه ها واقعیت اسلام و ایران را نمی گویند چون تحت تاثیر آمریکا هستند و اسلام هراسی وجود دارد و دیدگاه مثبتی هم نسبت به اسلام ندارند. دانشجویان ژاپنی که به قم آمدند ابتدا خانواده هایشان مخالف بودند اما دفتر ژاپن از خانواده های دانشجویان دعوت می کرد که بیایند و با فرهنگ ایران آشنا شوند و وقتی دانشجویان به ایران آمدند به پدر و مادرشان می گفتند که ایران آن طور که شما فکر می کنید نیست.

سوال: در زمینه تالیف و ترجمه چه فعالیت تبلیغی دارید؟

رساله ای مشتمل بر احکام را به ژاپنی ترجمه کردم و به طور مجازی هم فعالیت می کنم. در ۵ ماهی که در ژاپن بودم کتاب دینی دبستان هدیه های آسمانی را ترجمه کردم و به دانشجویانی که درشان در قم تمام می شود می دهیم که هم مطالعه کنند هم آن را تدریس کنند.

اگر خوب تبلیغ کنیم ژاپنی ها به اسلام جذب می شوند؛ در جاهایی مانند ژاپن به جای آنکه بیشتر «نام اسلام» را بیابوریم، باید «روش اسلام» را پیاده کنیم و بعد بگوییم که این روش زیبا و این سبک زندگی مربوط به اسلام است تا کم کم به اسلام روی بیابورند. البته در ژاپن دین های ساختگی زیاد هست مثلاً گروهی به نام «واووم» به معنی طوطی قدرت زیادی دارند و چند سال پیش گاز سمی در مترو پخش کردند و چند نفر را کشتند و به قول خودشان روز قیامت را بوجود آوردند. یا گروهی به نام خوشبختی که آنها هم قدرت دارند و در شورای نمایندگان مجلس گروه های انحرافی زیاد در کنار وهابی ها فعالیت می کنند.

یا گروهی که خانه به خانه و با استفاده از انجیل تبلیغات می کنند. اگر کسی مشکل داشته باشد زود به آنها متوسل می شود و فعالیت زیادی دارند و دو خانم خانه به خانه می آیند و در تمام شهرها کلاس دارند.

تبلیغات شیعیان نسبت به این گروه ها کم هست و باید به ایران دعوت شوند تا راحت تر با معارف اهل بیت آشنا شوند. همچنین ایرانی ها مسجد ندارند اما ترکیه ای ها مسجد دارند و تور گردشگری می آورند و معماری ترکیه و صنایع دستی ترکیه را معرفی می کنند.

ایران هم باید مسجدی آنجا تاسیس کنند. ایرانی های مقیم ژاپن نمی توانند چون بودجه ندارند و سرمایه دارهای ایرانی باید کمک کنند تا مسجد ساخته شود.

برخی نهادهای دینی تلاش می کنند و ماهی یکبار جلسه دارند و خیرین را برای ساخت مسجد و فعالیت های تبلیغی دعوت می کنند. اگر مسجد ساخته شود تبلیغ اسلام بیشتر و راحت تر می شود. باید مسجد داخل شهر و جای خوب باشد چون منطقه فساد در ژاپن زیاد است و نباید آنجا فعالیت دینی کرد و ان شاءالله با این رایزنی ها مسجد ساخته شود.

* گفت و گو از خبرگزاری حوزه



مختلف برپا می کنیم. این افراد وسایلی از ژاپن می آوردند و می فروشیم و برای نیازمندان هزینه می کنیم. این یک روش تبلیغ اسلام هست. در سفر به اصفهان آنها شاهد حضور خانواده ها بودند من به آنها می گفتم اسلام به خانواده اهمیت می دهد و این افراد از این طریق با اسلام و ایران آشنا می شدند. یا در سفری این گروه را به مرقد امام (ره) بردم و نماز جماعت می خواندم متوجه شدم که آنها پشت سر من ایستادند و هر کاری من می کردم آنها هم انجام می دادند.

سوال: آیا شما به آنها قرآن یا کتابی اسلامی هدیه دادید؟

من دوست دارم به طور عملی و آگاهانه با اسلام آشنا شوند و قلبا اسلام را قبول کنند و تحمیلی نباشد. نگفتم به اجبار شهادتین بگویند اما با اسلام آشنا می شوند تا خودشان با اختیار به اسلام تمایل پیدا کنند.

سوال: آیا مبلغان در طول سال و مناسبت های مختلف از قم به ژاپن اعزام می شوند؟

بله، هر مراسمی که باشد در مناسبت های مختلف مبلغ از جامعه المصطفی به ژاپن اعزام می شود، چند سالی است جامعه المصطفی کار جالبی انجام می دهد و دوره های کوتاه مدت سه هفته ای در قم برگزار می کند.

دانشجویان ژاپنی را دعوت می کنند اعم از مسلمان یا غیر مسلمان و قبل از آمدن به ایران از دانشجویی می پرسند شما می خواهید چه چیزی از ایران یاد بگیرید هنر یا ادبیات یا دین. وقتی خودشان می آیند در محیط قرار می گیرند به ایران و هنر معماری علاقه مند می شوند. با استادان خوش نویسی و هنرهای دیگر و معارف اسلامی آشنا می شوند.

ممکن است از این طریق مسلمان شوند و یا دوباره به ایران سفر کنند. من در این کلاس ها مطالب استاد را به ژاپنی ترجمه می کنم. حدود ۷ سال است که با جامعه المصطفی همکاری می کنم.

سوال: در حال حاضر مبلغان ژاپنی هم داریم؟

ما روحانیون ژاپنی هم داریم که فارغ التحصیل مدرسه عالی امام خمینی (ره) در قم هستند و بعد از اتمام درس به ژاپن بر می گردند که نمونه آن حجت الاسلام سوادا هست که در حال حاضر در ژاپن فعالیت تبلیغی می کنند. مبلغ خانم ژاپنی دیگری هم به نام خانم توساکا هست که در ژاپن فعالیت تبلیغی دینی دارد. همچنین آقای متولیان از جامعه المصطفی ماموریت ۴ ساله در ژاپن داشتند و فعالیت های دینی و تبلیغی را مدیریت می کردند و نتایج خوبی به دست آوردند.

بیند کشور ژاپن کشوری است که نفوذ دین در آنجا سخت است چون



پرسش و پاسخ

چرا امام حسن (ع) صلح با معاویه را پذیرفت؟

چرا امام حسن صلح با معاویه را پذیرفت؟

امام حسن (ع) پس از شهادت پدرش امام علی (ع)، به امامت رسید. در آن زمان، جامعه اسلامی شرایط حساسی را می گذراند. رهبری امت اسلام، موضوعی بسیار حیاتی بود. امام حسن (ع) بعد از شهادت پدر طی سخنانی حقانیت راه پیامبر (ص) و علی (ع) را برای مردم تشریح فرمود و از اهل بیت رسول خدا به عنوان چراغ های نورانی که روشن کننده حقیقت پس از پیامبر هستند؛ یاد کرد. امام حسن (ع) با صراحت از جایگاه اهل بیت پیامبر دفاع نمود و آمادگی خود را برای انجام مسئولیت خطیر رهبری اعلام کرد. به دلایل تکلیف گرایی، حفظ دین، مصالح عمومی، حفظ شیعیان و عدم حمایت مردم و خیانت فرماندهان مصلحت را در آن دید که از جنگ و روبرویی اجتناب کند و طی معاهده ای با معاویه، صلح را پذیرفت. شهید مطهری برخی از سوالات در این زمینه را پاسخ داده است.

سوال: اگر امیرالمؤمنین بجای امام حسن می بود آیا صلح می کرد یا نه؟ حضرت علی می فرمود من حاضر نیستم یک روز حکومت معاویه را تحمل کنم، چگونه امام حسن راضی به حکومت معاویه شد؟

جواب شهید مطهری: اگر شرایط حضرت علی مثل شرایط حضرت امام حسن می بود صلح می کرد، اگر بیم کشته شدنش در مسند خلافت می رفت. ولی می دانیم نابسامانیها در اواخر دوره حضرت امیر پیدا شد. و اما اینجا دو مبحث با هم مخلوط شده اند. حضرت امیر حاضر نیست یک روز، معاویه به عنوان نایب او و به عنوان منسوب از قیل او حکومت کند، ولی امام حسن که نمی خواهد معاویه را نایب و جانشین خود قرار دهد، بلکه می خواهد خود کنار برود. صلح امام حسن کنار رفتن است نه متعهد بودن. در متن قرار داد هیچ اسمی از خلافت برده نشده، اسمی از امیرالمؤمنین برده نشده، اسمی از جانشین پیغمبر برده نشده، سخن این است که ما کنار می رویم، کار به عهده او، ولی به شرط آنکه این که شخصا صلاحیت ندارد، کار را درست انجام دهد، و متعهد شده که درست عمل کند. پس این دو خیلی تفاوت دارد.

مردم در زمان حضرت امیر معاویه را شناخته بودند. مردم معاویه را بد آدمی شناخته بودند و خوب حاکمی، و این که مردم کوفه سست شدند یکی به همین خاطر بود، می گفتند درست است که معاویه آدم بدی است ولی با رعیت خیلی خوب است، ببین با شامیها چگونه رفتار می کند! چقدر شامیها از او راضی هستند! آنهایی که معاویه را شناخته بودند به این صورت شناخته بودند که درست است که آدم بدی است اما حاکم خوبی است، اگر او حاکم شود هیچ فرقی میان مردم کوفه و غیر کوفه نخواهد گذاشت. مخصوصا معروف شده بود به حلم و بردباری. معاویه یک حلم سیاسی خاصی داشت و مورخین به او عیب گرفته اند که نتوانست حلم سیاسی خود را در مورد کوفه عملی کند، و اگر می کرد از نظر معنوی هم پیروز می شد

معاویه معروف بود به حلم سیاسی. مردم می رفتند به او فحش می دادند، می خندید و در آخر پول می داد و آنها را جلب می کرد. می گفتند برای حکومت بهتر از این دیگر نمی شود پیدا کرد، حالا آدم بدی است آدم بدی باشد. امام حسن هم بر همین اساس تصمیم به صلح گرفت، و گویی به مردم می گفت بسیار خوب، ما این آدم بد را آوردیم که کارها را خوب انجام دهد، حال ببینید آنطور که شما انتظار دارید که این آدم بد کارها را خوب انجام دهد انجام داد یا انجام نخواهد داد. هرگز معاویه به عنوان یک حاکم جائز شناخته نشده بود، به عنوان یک مرد جاه طلب شناخته شده بود نه بیش از آن. معاویه را واقعا دوران صلح امام حسن شناساند، از نظر اینکه چگونه حاکمی است.

سوال: آیا امام حسین هم صلحنامه را امضاء کرده اند یا خیر؟ و آیا ایشان به صلح امام حسن اعتراضی داشته اند یا خیر؟

جواب شهید مطهری: من جایی ندیده ام که امام حسین هم صلحنامه را امضا کرده باشد، از باب اینکه ضرورتی نداشته که امام حسین امضا کند، چون امام حسین، آن وقت به عنوان یک نفر تابع بود و تسلیم امام حسن، و هر چه که امام حسن می کرد آن را قبول داشت و متعهد بود. حتی یک عده ای که با صلح امام حسن مخالف بودند آمدند نزد امام حسین که ما این صلح را قبول نداریم، آیا بیاییم با تو بیعت کنیم؟ فرمود نه، هر چه برادر امام حسن کرده من تابع همان هستم. از نظر تاریخ مسلم این است که امام حسین صد در صد تابع صلح امام حسن بود، یعنی کوچکترین ابراز مخالفتی از امام حسین نسبت به این صلح ابراز نشده، و دیده نشده که جایی اعتراض کند که من با این صلح موافق نیستم، و بعد که ببیند امام حسن مصمم به صلح است تسلیم شود، نه، هیچ اعتراضی از او دیده نشده است.

* تاریخ اسلام در آثار شهید مطهری - جلد دوم و سایت آوینی

ویژه نامه مذهبی - خبرگزاری صدا و سیما

دبیر ویژه نامه: زهره قدیمی

